نظامهای مالی اسلامی

نظام مالی اسلامی به عنوان جزیی‏ از بخش مالی کشورهای اسلامی به‏ سرعت در حال رشد است.این نظام‏ تنها به کشورهای اسلامی محدود نمی‏شود بلکه در هر کجا که جمعیت‏ چشمگیری از مسلمانان وجود داشته‏ باشد در حال پیدایش است.

براساس برخی برآوردها،بیش از 100 نهاد مالی در بیش از 45 کشور از روشهای‏ مالی اسلامی استفاده می‏کنند،و این‏ صنعت در طول 5 سال گذشته با نرخ رشد سالانهء 15 درصد همراه بوده است.هم‏ اینک گردش پول سالانه در این بازار حدود 70 میلیارد دلار است،درحالی که در سال 1985 تنها 5 میلیارد دلار بود.انتظار می‏رود که این رقم تا پایان این قرن به‏ 100 میلیارد دلار برسد.

رشد مالیهء اسلامی در آغاز با ما زاد حساب جاری کشورهای اسلامی‏ صادرکننده نفت همراه بود.ولی تداوم‏ رشد آن،به رغم کاهش درآمدهای نفتی، نمایانگر نفوذ سایر عوامل مانند تمایل‏ برای سیستمهای اجتماعی-سیاسی و اقتصادی مبتنی بر اصول اسلامی و هویت‏ قوی اسلامی بوده است.به علاوه،به‏ کارگیری اصلاحات گستردهء اقتصاد کلان و ساختاری-در زمینهء نظامهای مالی، آزادسازی جریانهای سرمایه،خصوصی‏ سازی،و یکپارچگی جهانی بازارهای‏ مالی-راه را برای گسترش مالیهء اسلامی‏ هموار کرده است.

مالیهء اسلامی چیست؟

مالیهء اسلامی ابتدا در کشورهای‏ مسلمان دوران قرون وسطی اجرا شد،که‏ هدف از آن ترویج تجارت و فعالیتهای‏ بازرگانی از طریق توسعه اعتبارات بوده‏ است.در اسپانیا و کشورهای حوزهء مدیترانه و بالتیک،تجار مسلمان به‏ صورت عوامل اجتناب‏ناپذیر فعالیتهای‏ تجاری درآمدند.در واقع،کارشناسان مالی‏ و بازرگانان اروپایی بعدها بسیاری از فرضیه‏ها،تکنیکها و ابزار مالیهء اسلامی را پذیرفتند.

واژهء نظام مالی اسلامی‏"نسبتا"جدید است که تنها در اواسط دههء 1980 رایج‏ شد.در واقع،تمام فعالیتهای بازرگانی و تجاری که با اصول اسلامی مطابقت‏ داشت،یا زیر چتر(بدون بهره)و یا بانکداری‏"اسلامی‏"انجام می‏شد.با این‏ حال،تعریف نظام مالی اسلامی صرفا به‏ عنوان یک نظام‏"بدون بهره‏"نمی‏تواند تصویر واقعی آن را نشان دهد.بی‏تردید، دریافت و پرداخت بهره هستهء اصلی این‏ نظام است،ولی اصول اسلامی دیگری به‏ جای آن به کار گرفته می‏شود مانند تقسیم ریسک،حقوق و وظایف افراد، حقوق مالکیت،و محترم شمردن‏ قراردادها،همچنین،این نظام تنها به‏ بانکداری محدود نمی‏شود،بلکه تشکیل‏ سرمایه،بازارهای سرمایه‏ای،و انواع‏ فعالیتهای واسطه‏ای مالی را نیز در بر می‏گیرد.

نظام مالی اسلامی باعث تشویق‏ مشارکت در ریسک و کارآفرینی می‏شود، مانع از فعالیتهای سفته‏بازی می‏گردد،و احترام گذاشتن به قراردادها را مورد تاکید قرار می‏دهد.

ابزارهای اصلی:

در بازارهای مالی ابزارهای گوناگونی‏ به شرح زیر برای تامین‏کنندگان و استفاده‏ کنندگان از سرمایه وجود دارد:فروش، تامین مالی تجارت،و سرمایه‏گذاری. ابزارهای اصلی شامل موارد زیر است: تامین مالی قیمت تمام شده(مرابحه)، مشارکت در سود(مضاربه)،اجاره به شرط تملیک(اجاره)،مشارکت و پیش‏فروش. این ابزارها شالودهء اصلی نظام بانکداری‏ اسلامی است و نشان می‏دهد که توان‏ بالقوهء چشمگیری برای نوآوری مالی و گسترش بازارهای مالی اسلامی وجود دارد.

روندهای بازار

بانکداری پیشرفته‏ترین بخش نظام‏ مالی اسلامی است.برای مثال،در قوانین‏ اساسی ایران و پاکستان،نظام بانکداری‏ آنها باید با قانون اسلامی مطابقت داشته‏ باشد.در کشورهای مصر،اندونزی، مالزی،سودان و کشورهای عضو شورای‏ همکاری خلیج(فارس)،بانکداری‏ اسلامی در کنار بانکداری مرسوم فعالیت‏ می‏کند.هم اینک بانکداری اسلامی با دو شیوه اجرا می‏شود:بانکهای اسلامی‏" تخصصی‏"،و"روزنه‏های اسلامی‏"1. بانکهای اسلامی تخصصی جزو بانکهای‏ بازرگانی و سرمایه‏گذاری به شمار می‏آیند که کلا برمبنای اصول اسلامی پایه‏ گذاری شده و تنها با ابزارهای اسلامی سر و کار دارند."روزنه‏های اسلامی‏"امکانات‏ ویژه‏ای هستند که توسط بانکهای مرسوم‏ برای سرویس‏دهی به مسلمانانی که‏ می‏خواهند در بانکداری اسلامی فعالیت‏ کنند،داده می‏شود.در کشورهای اسلامی، بانکهای غربی و سایر بانکها این‏ سرویس را ارائه می‏دهند.

از نظر سنتی،بانکهای اسلامی‏ تخصصی بهترین موقعیت را برای جذب‏ سپرده‏های مسلمانان داشته‏اند،ولی این نهادها به‏طور کلی از توانایی فنی برای‏ سرمایه‏گذاری کارآمد بی‏بهره بوده‏اند.این‏ شکاف به واسطهء خدمات بانکهای غربی‏ در استفادهء سریع و مؤثر از پولهای‏ مسلمانان-با شیوه‏های قابل قبول‏ اسلامی-پر شده است.ولی این عمل به‏ خاطر ماهیت واسطه‏گری غالبا بازدهء کمی برای سرمایه‏گذاران کشورهای‏ اسلامی داشته است.با این حال این روند در حال تغییر است.بانکهای اسلامی،تا حدی به خاطر یکپارچگی فزاینده‏شان با بازارهای بین المللی،قدرتمندتر و جهانی‏تر شده‏اند.در عین حال،بانکهای‏ غربی با آگاهی از توان بالقوهء بازارهای‏ اسلامی تلاش می‏کنند با حذف واسطه‏ها به‏طور مستقیم با سرمایه‏گذاران ارتباط برقرار کنند.برای مثال،سیتی بانک‏ نخستین شعبهء بانک اسلامی خود را در سال 1996 در بحرین افتتاح کرد.

نهادهای بین المللی و مالی هم اینک با سازمانهای مالی اسلامی همکاری‏ می‏کنند و استفاده از ابزارهای فرعی و تشکلها را برای افزایش تامین مالی‏ پروژه مورد مطالعه قرار داده‏اند.شرکت‏ تامین مالی بین المللی( IFC )چندین‏ قرارداد را با موفقیت در خاور میانه و پاکستان به اجرا درآورده است که با اصول‏ اسلامی مطابقت دارد.

مشکلات و راه حلها

بازارهای مالی اسلامی بسیار کمتر از توان بالقوه‏شان فعالیت می‏کنند،زیرا بانکداری اسلامی به تنهایی نمی‏تواند در نبود سایر تشکیلات ضروری نظامی مالی‏ اسلامی پابرجا باشد.پیش از تدوین‏ هر نوع استراتژی درازمدت باید به برخی‏ محدودیتها توجه شود:

یک چهارچوب قانونی و کنترلی‏ یکپارچه که بتواند از نظام مالی اسلامی‏ حمایت کند هنوز ایجاد نشده است. مقررات موجود بانکداری در کشورهای‏ اسلامی براساس مدل بانکداری غربی‏ پایه‏ریزی شده است.به همین خاطر، نهادهای مالی اسلامی با مشکلاتی در کشورهای غیر اسلامی روبرو هستند زیرا در این کشورها سازمانهای کنترل‏کننده‏ که با اصول اسلامی کار کنند وجود ندارد. ایجاد یک چهارچوب کنترلی و نظارتی که‏ به مسائل ویژهء نهادهای اسلامی‏ رسیدگی کند موجب افزایش یکپارچگی‏ بازارهای اسلامی و بازارهای مالی‏ بین المللی خواهد شد.

هیچ‏گونه مرکز مالی سازمان‏یافته و قابل توجهی که بتواند مطابق با اصول‏ اسلامی فعالیت کند وجود ندارد.اگرچه‏ بازارهای سهام نوپا در برخی از کشورهای‏ اسلامی مانند مصر،اردن و پاکستان فعال‏ هستند،ولی اینها با اصول اسلامی تطابق‏ کامل ندارند.البته بازار سهام ایران و سودان احتمالا با اصول اسلامی‏ همسازی بیشتری دارند.

سرعت نوآوری چندان سریع نیست. سالهاست که بازار با همان ابزارهای‏ سنتی که باعث بلوغ کوتاه و میان‏مدت‏ می‏شود کار کرده است.ولی هنوز به‏ ابزارهای ضروری برای رسیدن به بلوغ‏ کامل دست پیدا نکرده است.به همین‏ خاطر،برای آنکه مشتری در برابر بی‏ثباتی شدید بازارهای ارز و کالا آمادگی داشته باشد،باید ابزارهای‏ مدیریت ریسک موجود باشد.

یک نظام مالی اسلامی به روشها و استانداردهای حسابداری با ثبات نیاز دارد.روشهای حسابداری غربی،به خاطر ماهیت و برخورد متفاوت ابزارهای مالی، کاربرد مطلوبی در نظام مذکور ندارند. وجود روشها و استانداردهای کاملا مشخص برای افشای اطلاعات،جلب‏ اعتماد سرمایه‏گذاران،و نظارت و بازرسی‏ بسیار ضروری است.همچنین،وجود این‏ استانداردها به یکپارچگی بازارهای مالی‏ اسلامی با بازارهای بین المللی کمک‏ می‏کند.

نهادهای اسلامی با کمبود کارکنان‏ مجرب و آموزش‏دیده روبرو هستند و به‏ همین خاطر نمی‏توانند روشهای نوآورانه‏ را مطابق با اصول مالی اسلامی ایجاد کنند.

در استفاده از اصول مذهبی در کشورهای اسلامی یکپارچگی کامل وجود ندارد.بانکهای اسلامی،به خاطر عدم‏ وجود یک سازمان مذهبی مرکزی که مورد قبول دنیا باشد،هیئتهای مذهبی را برای‏ راهنمایی و هدایت ایجاد کرده‏اند. در نتیجه،برای آن‏که یک ابزار جدید به‏ تصویب برسد،بانکهای مزبور ناچارند با هیئتهای مذهبی متبوع خود مشورت کنند. به همین خاطر اختلاف موجود در تفسیر اصول اسلامی توسط مکتبهای فکری‏ گوناگون ممکن است باعث شود تا ابزارهای مالی مورد قبول یک هیئت قرار بگیرد یا از طرف هیئت دیگر مردود اعلام‏ شود.ازاین‏رو،یک ابزار مالی مشابه‏ ممکن است در تمام کشورها مورد قبول‏ نباشد.این مشکل را می‏توان با ایجاد یک‏"شورای همبستگی‏"که نمایندهء مکتبهای فکری گوناگون است برطرف‏ کرد.

چشم‏انداز آینده

رشد و توسعهء نظام مالی اسلامی در آینده تا حد زیادی به ماهیت نوآوریهایی‏ بستگی خواهد داشت که در بازار ارایه‏ می‏شود.آن‏چه که سریعا باید انجام شود، استفاده از امکانات انسانی و مالی برای‏ توسعه ابزارها جهت افزایش نقدینگی، گسترش بازارهای ثانویه،پولی و بین‏ بانکی،اجرای مدیریت دارایی/بدهی و ریسک،و ارایهء ابزارهای مالی عمومی‏ می‏باشد.

ایجاد امنیت یک گام مثبت دیگر است، ولی حتی این کار هم مستلزم‏ پیچیدگیهای بیشتری می‏باشد.با این‏ حال چشم‏انداز امنیت‏سازی در بازارهای‏ مالی اسلامی بسیار امیدوارکننده است.با گسترش این کار مشتریان نظامهای مالی‏ اسلامی به صورت سرمایه‏گذاران اصلی‏ افزایش خواهند یافت،بازار ثانویه توسعه‏ می‏یابد و مدیریت دارایی/بدهی به‏ تحقق خواهد پیوست.

تامین مالی در سطح کوچک یکی دیگر از کاربردهای مالیهء اسلامی است.در این‏ شیوه،کارآفرینی و تقسیم ریسک تشویق‏ می‏شود و تعمیم آن به افراد ضعیف‏ می‏تواند یکی از ابزارهای مؤثر توسعه‏ باشد.مزایای اجتماعی این کار کاملا آشکار خواهد بود،زیرا افراد ضعیف هم‏ اینک زیر فشار نرخهای بسیار بالای وام‏ دهندگان استثمار می‏شوند.

جمعبندی

مالیهء اسلامی می‏تواند نقش‏ حیاتی در توسعه اقتصادی کشورهای‏ اسلامی ایفاد کند.این کار با بسیج پس‏ اندازهایی که به دور از کانالهای مالی‏ مبتنی بر بهره به صورت بین المللی‏ نگهداری می‏شود،و همچنین با سهولت‏ بخشیدن به ایجاد بازارهای سرمایه‏ای‏ انجام خواهد شد.در عین حال،توسعهء این‏ گونه نظامها باعث می‏شود تا پس‏انداز کنندگان و وام‏گیرندگان بتوانند ابزارهای‏ مالی مناسب با نیازهای بازرگانی، ارزشهای اجتماعی و باورهای مذهبی‏ خود را انتخاب کنند.

مأخذ:نشریهء Finance Development ،ژوئن 1997

(1)- Islamic Windows